

اختلاف روزنامه نگاران و روابط عمومی در آفریقای جنوبی



پرتال جامع علوم انسانی

می کنند و به روابط عمومی ها می پیوندند؟ اینکه چگونه از کسی که همیشه سؤال می پرسید، تبدیل به کسی می شود که مجبور است از پاسخ دادن طفره برود؟ چگونه می توانند میان این دو وجه، تعادل ایجاد کنند؟

از شغل و حرفه روزنامه نگاری، بارها به عنوان یک حرفه شریف که کمبودها و تفاوت ها را آشکار می کند، یاد شده است. حال آنکه بسیار

روزنامه نگاران و کارمندان حرفه ای روابط عمومی ها چندان تمایل ندارند به این مسأله صحنه بگذارند که کارهای مشابهی انجام می دهند، به جز این، هر دوی این گروه ها از این نظر زیر فشار هستند که واقعیت را از زاویه دید خودشان، به صورت متقاعد کننده ای منتشر کنند. با این وجود، این سؤال به ذهن می رسد که چرا بسیار از روزنامه نگاران، شغل و حرفه خود را رها



از روزنامه‌نگاران، به دنبال کسب درآمد بیشتر و حقوق بالاتر، این حرفه را کنار می‌گذارند.

«سالومون ماک گیل» سخنگوی روابط عمومی شرکت فرودگاه‌های افریقای جنوبی، از سال ۲۰۰۱ در این حرفه مشغول به کار است. او پیش از این، روزنامه‌نگار بود.

او می‌گوید: «بعد از ساعت‌ها کلنجار رفتن با خودم و احساسم، این تصمیم را گرفتم. به این نتیجه رسیدم که مجبور به انتخاب راه پر درآمدتری هستم با وجود اینکه بسیار به روزنامه‌نگاری علاقه داشتم و سودای من بود، اما در پایان ماه باید تعداد زیاد قبض را پرداخت می‌کردیم.»

او معتقد است هنوز شناخت و درک درستی از روابط عمومی‌ها وجود ندارد. «در طول سال‌ها روابط عمومی‌ها جایگاه راهبردی‌ای از نظر مدیریتی به دست آورده‌اند. آنها در هیئت‌های مدیریتی، حضور ثابتی دارند. من هر روز هفته با آدم‌های مشهور سیاسی، نظامی، جامعه شهری و تاجران سروکار دارم.»

«پیریوانشی رامسامی» که روزگاری روزنامه‌نگار بوده، می‌گوید که به دست آوردن درآمد بیشتر و هیجان موقعیت جدیدی با چالش‌های جدید، او را از دنیای روزنامه‌نگاری جدا کرد و به دنیای روابط عمومی کشاند. او به تازگی در روابط عمومی اولین بانک ملی افریقای جنوبی مشغول به کار شده است.

او می‌افزاید: «به دلیل اینکه پیشرفت زیادی در شغل قبلی‌ام داشتم، احساس کردم به نهایت این حرفه رسیدم دیگر مشتاق و علاقه‌مند نبودم راهی را طی کنم که مرا به مدیریت روزنامه می‌کشاند.» او معتقد است که اگر داشتن درآمد بیشتر، یک روزنامه‌نگار را در موقعیت انتخاب شغل جدید و ترک دنیای روزنامه‌نگاری قرار ندهد، روزمرگی و نیاز به تجربه چالش‌های جدید سرانجام باعث می‌شود این اتفاق بیفتد. او تصریح می‌کند: «بسیاری بر این عقیده‌اند که این تغییر، ناشی از روند طبیعی پیشرفت حرفه‌ای است. هیجان ورود به دنیای روزنامه‌نگاری و کار کردن در این حرفه، مربوط به دوره و سن خاصی است.»

ماک گیل معتقد است که ماندن در شغل جدیدش، بسیار دشوار است: «احساس می‌کردم با اینکه پایه و اساس روزنامه‌نگاری و روابط عمومی، مشترک است، اما به اندازه کافی، برای حرفه روابط عمومی آموزش ندیده‌ام.» او ادامه می‌دهد: «خبری از تحریریه پر هیجان و پر جنب و جوش نبود. در نخستین روزهای کاری‌ام، مقابل دفتر کارم

می‌ایستادم و با هر کسی که از جلویم رد می‌شد، گپ می‌زدم محل کارم، بسیار خلوت و ساکت بود؛ به طوری که گاهی احساس می‌کردم انجا بایگانی را کدی است.» او می‌گوید که به سختی در مقابل فکر جمع کردن وسایلش و ترک آنجا مقاومت می‌کرد.

ماک گیل به زودی دریافت که باید به این وضع جدید عادت کند. او پس از مدتی خود را غرق در شغل جدیدش یافت: «مدام دلایل عوض کردن شغل‌ام را به خودم یادآوری می‌کردم. سرانجام، به این نتیجه رسیدم که باید از فرصت جدید به دست آمده بهترین استفاده را بکنم و از تمام امکانات موجود برای انجام بهتر کار، بهره بگیرم.»

او این طور ادامه می‌دهد: «کمی پس از پیوستن من به روابط عمومی، کارفرمای من با یک مشکل حقوقی مواجه شد کارمندان علیه او اقامه دعوا کرده بودند. در آن زمان به درستی نمی‌دانستم چه باید بکنم، اما اکنون پس از سال‌ها کار در این حرفه و گذشتن از تلاطم‌های زیاد، به خوبی می‌دانم در هر موقعیتی باید چه کاری انجام دهم و چگونه برخورد کنم. اکنون می‌توانم با شجاعت با بازخوردهای ناعادلانه و غیر منصفانه روبه‌رو شوم.»

رامسامی می‌گوید که سرو کله زدن با خبرنگارانی که از روابط عمومی و وظایف آن و همچنین مقررات دست و پاگیر اداری، شناخت درستی ندارند، کار بسیار طاقت‌فرسایی است: «بسیاری از خبرنگاران، قبل از اینکه پاسخ سؤال‌ها و درخواست‌هایشان به طور رسمی ارسال با منتشر شود، اقدام به انتشار اخبار و اطلاعاتی می‌کنند که تأیید شده نیست. این مسأله، مشکلاتی را در روابط عمومی‌ها و خبرنگارانی که انتظار دارند پاسخ‌شان را یک ساعت بعد بگیرند، به وجود می‌آورد.»

مونوسامی از اینکه از هیجان و تحرک دنیای روزنامه‌نگاری دور افتاده، ناراحت است: «دلیم برای سر در آوردن از پشت پرده جریان‌های سیاسی تنگ شده است؛ با اینکه خبرنگاری سیاسی در افریقای جنوبی در چند سال اخیر، روند بسیار کسل‌کننده و سطحی‌نگری داشته است. برای تحریک و جنب‌وجوش تحریریه، دل تنگم.»

۷ سال کار کردن به عنوان سخنگوی روابط عمومی شرکت فرودگاه‌های افریقای جنوبی، باعث شده ماک گیل به سختی بتواند درباره اشتیاق و علاقه‌اش به بازگشت به دنیای روزنامه‌نگاری بیندیشد؛ با این وجود گاه‌گاهی شوق بازگشت به زندگی خبرنگاری به سراغش می‌آید.

منبع: روزنامه همشهری

رامسامی می‌گوید که سرو کله زدن با خبرنگارانی که از روابط عمومی و وظایف آن و همچنین مقررات دست و پاگیر اداری، شناخت درستی ندارند، کار بسیار طاقت‌فرسایی است بسیاری از خبرنگاران، قبل از اینکه پاسخ سؤال‌ها و درخواست‌هایشان به طور رسمی ارسال یا منتشر شود، اقدام به انتشار اخبار و اطلاعاتی می‌کنند که تأیید شده نیست. این مسأله، مشکلاتی را در روابط عمومی‌ها و خبرنگارانی که انتظار دارند پاسخ‌شان را یک ساعت بعد بگیرند، به وجود می‌آورد.